اصلاحات اخلاقی امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)

پدید آورنده : محمد حسن عبداللهی ، صفحه 2

اشاره

یکی از مهمترین وظایف امام مسلمین، ایجاد زمینه رشد و گسترش فضائل معنوی و کمالات اخلاقی جامعه اسلامی می باشد تا به آنجا که داشتن نهادِ حکومتی سالم و سیستم اقتصادی کارآمد، همگی مقدمه و وسیله ای جهت رشد معنویات و رسیدن انسان ها به فضائل اخلاقی می باشد. از همین رو، با توجه به وضعیت نابسامان اخلاقی که در زمان خلفا به وجود آمده بود، امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) یکی از اصول مهم اصلاحات حکومت خود را اصلاح مفاسد اخلاقی و زنده نمودن فضائل و کمالات معنوی در جامعه اسلامی، قرار داد.

اما اصلاحات اخلاقی امیرالمؤمنین(علیه السلام) همچون اصلاحات فقهی و حقوقی آن حضرت، امری نبود که در مدت کوتاهی به ثمر برسد، گر چه امام(علیه السلام) تلاش اصلاحی خود را در این زمینه از همان روزهای نخست حکومت خود آغاز نمود. امام(علیه السلام) در دومین روز حکومت خود بر فراز منبر رفت و نعمت های خداوند را بر مسلمانان برشمرد، از دنیا یاد کرد و مردم را نسبت به بی رغبتی به آن دعوت کرد و از آخرت یاد کرد و مردم را به آن ترغیب نمود.1

امام(علیه السلام) در طول دوران حکومت خود به هر وسیله ممکن، مردم را به سوی این هدف متعالی فرا می خواند و از آنجا که خواص و رهبران جامعه سرمشق و الگو برای توده های مردمند، امام(علیه السلام) با زندگی زاهدانه خود و فضائل و معنویات بی نظیر خود، بهترین الگو برای مردمان حکومت خویش بود. نامه های آن حضرت به کارگزاران و فرماندارانش مالامال از سفارش به عبادت و فضایل معنوی، دوری از دنیا و ترک گناه، و... است. که نمونه هایی از آن را در گذشته بیان نمودیم.

بهره گیری از شیوه های غیر خشن برای اصلاحات اخلاقی

امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) در طول دوران حکومت، در ضمن کلمات و خطبه های خود که مالامال از مسائل اخلاقی و مطالب بلند عرفانی و سفارش به تقوای الهی است، توده های مردم را به سوی رشد و تعالی ترغیب می نمود. حجم گسترده این گونه مطالب در کلمات آن حضرت نشان گر اصرار و توجه خاص امام (علیه السلام) به مسائل اخلاقی و رشد معنویات در جامعه می باشد. مجموعه خطبه ها و کلمات آن حضرت، نه تنها برای مردمان دوران حکومت علوی، بلکه برای تمامی نسل های خداجوی بشری، بهترین منشور «انسان سازی» و «عرفان و حماسه» است، و بررسی کامل و دقیق این مجموعه بی نظیر نیازمند فرصتی مناسب و پژوهشی گسترده و عمیق می باشد و در این نوشتار مختصر نمی گنجد. در اینجا با نگاهی کوتاه و گذرا جلوه هایی از مسائل معنوی و اخلاقی این مجموعه را بیان می نماییم:

الف) سفارش به تقوای الهی

تقوا، که در نگاه امام(علیه السلام) عبارت است از: «نیرویی معنوی و روحی که بر اثر ممارست و تمرین پدید می آید و به نوبه خود آثار و لوزام و نتایجی دارد که از آن جمله، پرهیز از گناه و سهل و آسان شدن آن است.»2

تقوا با ارزش ترین سرمایه و امتیاز فرد و جامعه اسلامی است که در سایه آن تمام مشکلات و مفاسد حلّ خواهد گشت.

سرآغاز تمام بدی ها و مشکلات و مفاسد فردی و اجتماعی، زمانی است که این سرمایه گران مایه در جامعه و افراد آن کم رنگ شده و یا رخت بربندد. امام می فرمایند: «... تقوا پیشه کنید که رشته ای است استوار، دستگیره ای است محکم و قلّه آن پناهگاهی است مطمئن»3

و نیز می فرمایند: «ای بندگان خدا! بدانید که تقوا قلعه ای محکم و نیرومند است، اما بدکاری و گناه، حصاری است سست و بی دفاع که اهلش را از بدی باز نمی دارد و کسی که به آن پناهنده شود، نگه داریش نمی کند. آگاه باشید! با تقوا می توان زهر گناهان را از بین برد و با یقین به برترین درجه مقصود رسید.»4

ب) سفارش به عبادت خدا

بالاترین امتیاز و گرانمایه ترین سرمایه و مطمئن ترین پناهگاه در مقابل مفاسد و گناهان «تقوا» است و آن نیز در سایه عبادت خدا حاصل می گردد.

عبادت که حقیقت آن ذکر و یاد خدا و چشم پوشی از غیر اوست تا به آن اندازه ارزشمند است که خداوند هدف از خلقت جن و انس را عبادت آنان معرفی نموده است.5

کلمات و خطبه های امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) مالامال از سفارش به عبادت خدا و بیان اهمیّت ذکر آثار و نتایج اعمال عبادی می باشد.

امام(علیه السلام) همواره یارانش را به «نماز» سفارش می نمود:

«نماز را به خوبی مراعات کنید و محافظت آن را بر عهده گیرید. زیاد به آن توجه کنید و فراوان نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا تقرب جویید؛ زیرا "نماز به عنوان فریضه واجب در اوقات مختلف شبانه روز به مؤمنان مقرر شده است"6 مگر به پاسخ دوزخیان در برابر این پرسش که "چه چیز شما را به دوزخ کشانیده است؟" گوش فرا نداده اید که "می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم...". نماز گناهان را همچون برگ های پاییزی می ریزد و غل و زنجیرهای معاصی را از گردن ها می گشاید... .»7

امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) با ترسیم شب زنده داری ها، خوف و خشیت ها، شوق و لذت ها، سوز و گدازها و تلاوت قرآن های عبادت کنندگان واقعی و عنایت های غیبی که در پرتو عبادت و مراقبه و جهاد نفس نصیبشان می گردد و با ذکر لذت های واقعی و بی نظیری که در سایه عبادت به آنان دست می دهد، یاران خود را به عبادت خدا تشویق می نمود و می فرمود:

«(پرهیزگاران) در شب همواره بر پا ایستاده اند، قرآن را شمرده و با تدبر تلاوت می کنند، با آن جان خویش را محزون می سازند و داروی درد خود را از آن می گیرند. هرگاه به آیه ای برخورد کنند که در آن بیم باشد، گوش های دل خویشتن را برای شنیدن آن باز می کنند و صدای ناله و به هم خوردن زبانه های آتش جهنم با آن وضع مهیبش در درون گوششان طنین انداز است. آن ها در پیشگاه خدا به رکوع می روند و جبین و دست و پا و زانوها را به هنگام سجده بر خاک می سایند و از او آزادی خویش را از آتش جهنم در خواست می کنند.»8

ج) سفارش به «جهاد با نفس»

تبعیت از خواسته های دل، سرّ تمامی مفاسد و آلودگی هاست و از همین روست که امیرالمؤمنین(علیه السلام) به منظور دستیابی به اصلاحات اخلاقی جامعه، همگی را به مبارزه با نفس فرا می خوانده و به آن تأکید می ورزد:

«آگاه باشید! هیچ طاعتی نیست جز این که طبع انسان از انجام آن ناراحت است و هیچ کدام از گناهان و معاصی یافت نمی شود، جز این که با تمایلات و غرائز حیوانی انسان سازگار است! بنابراین رحمت خداوند بر کسی باد که از شهواتش خودداری کند و هوس های سرکش نفس را ریشه کن سازد؛ زیرا مشکل ترین کار جلوگیری از همین نفس سرکش است که همیشه میل به معصیت و گناه دارد.»9

«انسان باید نفس سرکش را زمام کند و افسار آن را در اختیار گیرد و آن را از طغیان نگاه دارد و از همین راه او را از نافرمانی به اطاعت خداوند بکشاند.»10

امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) در عهد نامه خود به مالک اشتر او را چنین توصیه می نمایند:

«... و نیز به او فرمان می دهد که خواسته های نابجای خود را در هم شکند. و به هنگام وسوسه های نفس، خویشتن داری را پیش گیرد؛ زیرا که «نفس اماره» همواره انسان را به بدی وادار می کند، مگر آن که رحمت الهی شامل حال او شود.»11

د) نهی از دنیا زدگی

امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) در طول دوران حکومت خود، به مبارزه با «دنیا زدگی» و «رفاه طلبی» که مسلمانان بدان دچار شده بودند، پرداخت و با بیان جایگاه واقعی دنیا، آنان را به زهد و دوری از دنیا و توجه به آخرت ترغیب می نمود؛ چرا که ریشه تمامی مفاسد و گناهان حب دنیاست. در اینجا از میان انبوه کلمات گهربار آن حضرت، تنها به ذکر قسمت هایی از یک خطبه طولانی آن امام که در آن واقعیت «دنیا» را بیان نموده اند، اکتفا می کنیم:

«اما بعد شما را از دنیا بر حذر می دارم؛ زیرا دنیا ظاهرش شیرین و با طراوت است. در لابلای شهوات قرار گرفته و به خاطر نقد بودنش جلب توجه می کند، با این که مواهب آن کم و ناچیز است، دل ها را به خود می کشاند، آرزوهای دنیا پرستان را در خود جمع کرده و خود را بدان آراسته، زیور غرور را به خود پوشیده است، شادمانی و نعمت آن پایدار نیست، از دردها و مشکلات آن ایمن نتوان بود، سخت مغرور کننده و زیانبار است، متغییر است و زوال پذیر، فناپذیر و نابودشدنی است؛ پیوسته کسان را می خورد و هلاک می کند، آن گاه که به حد اعلا برسد و به آرزوی دنیا پرستان جامه عمل بپوشاند و از آن راضی گردند، بیش از آن چه در قرآن ذکر شده، نخواهد بود که:

"زندگی همچون آبی می ماند که از آسمان فرو می فرستیم و به وسیله آن گیاهان فراوان و سر به هم داده و درهم پیچیده به وجود می آید. چیزی نمی گذرد که خشک می شوند و بادها آن ها را پراکنده می سازند و خداوند بر همه چیز قادر است."12»

ه) سفارش به «یاد مرگ»

یاد مرگ در نگاه شخص موحد حرکت زا و نیرو آفرین می باشد. سفارش ها و تذکرهای فراوان و دائمی امیرالمؤمنین(علیه السلام) در مورد یاد مرگ و روز قیامت از همین روست:

«آگاه باشید! که فاصله نگاه های مرگ به شما کوتاه و نزدیک است. و گویا مرگ چنگال هایش را در جان شما فرو برده، کردارهای بد، مشکلات زندگی و کژی ها و ناروایی ها (شما را غافلگیر ساخته مرگ را از شما پنهان داشته اند)، بنابراین علائق و وابستگی های دنیا را از خویش کم کنید و کمر خویش را با توشه تقوا محکم ببندید.»13

امام(علیه السلام) در کلامی دیگر می فرمایند:

«... مرگ، از بین برنده لذات شماست و مکدر کننده تمایلات و فاصله افکن میان شما و اهدافتان، دیدار کننده ای است دوست نداشتنی! پس با جدّیت و کوشش (به انجام اعمال نیک) بپردازید، برای این سفر مهیا و آماده شوید و زاد و توشه از این منزل، فراوان برگیرید؛ دنیا شما را مغرور نسازد... از زرق و برق دنیا بر حذر باشید که غدار است و مکار... .»14

و) سفارش به «توبه»

«توبه» نقش تربیتی بسیاری در جامعه اسلامی دارد و راه اصلاح افراد و جامعه را هموار می سازد و همیشه مورد توجه مصلحان واقعی بوده است. امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) در این باره خطاب به یاران خود می فرمایند:

«حال که در متن زندگی و حیات هستید، به عمل بپردازید، پرونده ها باز؛ بساط توبه گسترده، فراریان از اطاعت خدا به سوی آن خوانده می شوند، بدکاران امید بازگشت و پاک شدن دارند، پیش از آن که چراغ عمل خاموش گردد، مهلت قطع شود، اجل پایان گیرد و در توبه بسته شود و فرشتگان به آسمان روند (سخت بکوشید و فرصت را غنیمت بشمرید).»15

امام(علیه السلام) در کلامی دیگر می فرمایند:

«تعجب می کنم از کسی که نومید می شود، در حالی که استغفار با اوست.»16

امام باقر(علیه السلام) از جدش امیرالمؤمنین(علیه السلام) چنین نقل می کند که فرمود:

«در روی زمین دو امان و وسیله نجات از عذاب الهی بود که یکی از آن ها برداشته شد. دومی را دریابید و به آن چنگ زنید. اما امانی که برداشته شد، رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بود. و امانی که باقی مانده، استغفار است. خداوند تعالی می فرماید:"خداوند آن ها را عذاب نمی کند تا تو در میانشان هستی و خداوند آن ها را هرگز عذاب نمی کند در حالی که استغفار می کنند."17»18

پی نوشت ها:

1ـ عزالدین ابوحامد، ابن ابی الحدید، مدائنی، شرح نهج البلاغه، ج 7، ص 36.

2ـ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 16، سیری در نهج البلاغه، چ اول، انتشارات صدرا، 1377 ه . ش، ص 504.

3ـ محمدجعفر امامی و محمدرضا آشتیانی، نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ص 297، خطبه 190.

4ـ همان، ص 177، خطبه 157.

5ـ «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاّ لِیَعْبُدُونِ»، الذاریات، 56.

6ـ «... إِنَّ الصَّلَوةَ کانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنینَ کِتاباً مَوْقُوتاً»، نساء، 103.

7ـ نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ج 2، ص 367، خطبه 199.

8ـ همان، ج 2، ص 343، خطبه 193.

9ـ همان، ج 2، ص 237، خطبه 176.

10ـ همان، ص 447، خطبه 237.

11ـ همان، ج 3، ص 143، نامه 53.

12ـ«وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَیاةِ الدُّنْیا کَماءٍ أَنْزَلْناهُ مِنَ السَّماءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَباتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِیماً تَذْرُوهُ الرِّیاحُ وَ کانَ اللّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ مُقْتَدِراً» کهف، 45.

13ـ نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ج2، ص377، خطبه204.

14ـ همان، ص437، خطبه 230.

15ـ همان، ج2، ص447، خطبه237.

16ـ همان، ج3، ص251، حکمت87.

17ـ «وَ ما کانَ اللّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِیهِمْ وَ ما کانَ اللّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ»، انفال، 33.

18ـ نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ص 253، حکمت 88.